

# پیشنویس اعلامیه روابط بین‌الملل مبتنی بر آموزه‌های تصوف اسلامی

بیژن بیدآباد<sup>۱</sup>

## چکیده

برقراری صلح، نظم و امنیت برای افراد، ملت‌ها و دولت‌ها در شرایط فعلی نظام بین‌المللی از اهم مسائل جهانی در عصر حاضر است. استقرار نظم باید از طریق نزدیک شدن به حقوق طبیعی افراد و رعایت خصیصه‌های انسانی و اخلاق باشد. در این راستا پیشنهاد نویسنده اعلامیه روابط بین‌الملل مبتنی بر آموزه‌های تصوف اسلامی طرح می‌گردد که خلاصه‌ای از بررسی‌های وسیع قبلی نویسنده در حوال و حوش موضوع است. این پیشنهاد در سه مبحث حقوق بین‌الملل عمومی، سیاست خارجی و دیپلماسی تدوین شده است و در مرحله بعد باید تحت مذاقه و بررسی صاحبانظران مختلف قرار گیرد تا با توجه به خصیصه‌های عرفانی که در تصوف و طریقت‌های همه ادیان یکسان و مبتنی بر عشق به خالق و به تبع عشق به مخلوق الهی است به اجماع و مرحله اجرا نزدیک گردد.

کلیدواژه: روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل عمومی، سیاست خارجی، دیپلماسی، عرفان، تصوف، طریقت، اسلام

## مقدمه

روابط بین‌الملل معاصر به شرایط شکننده‌ای رسیده و نظم و ترتیبات فعلی توان برقراری ثبات و صلح را در روابط بین‌الملل تضمین نمی‌نماید. حقوق بین‌الملل عمومی نیز نتوانسته با ساز و کارهای فعلی خود شرایط لازم را مهیا نماید. و شاید یکی از دلایلی که حقوق بین‌الملل و دیسیپلین‌های آن در این امر ناتوان بوده، دور شدن این رشته حقوق از فطرت و طبیعت بشر بوده است. به این ترتیب اگر سازوکارهای جدیدی بر مبنای طبع سلیم بشر طراحی گردد و فقط به منافع یکسویه کشورها ننگرد شاید بتواند قدمی در بهبود وضعیت روابط بین‌الملل در این مقطع از تاریخ بشر باشد.

بسیاری از قوانین که از شریعت ادیان استخراج شده به دلایل متنوع بالاخص در سطح کشورها قابلیت یکسان

بودن و عمومی بودن یک قانون برای همه را ندارند. زیرا تفاوت خصوصیات مختلف اقوام و دول و جغرافیا و سیاست و نژاد و آب و خاک و اقلیم و بسیار بسیار ویژگی دیگر اجازه وضع یک قانون برای همه را نمی‌دهد. ولی روح شرایع که در همه ادیان هم بوده و هست و مورد احترام و باور همه عقلای کشورهای مختلف می‌باشد در همه ادیان یکسان و واحد است و آن عبارت از طریقت و تصوف و عرفان و باورهای اخلاقی در ادیان مختلف می‌باشد که هزاره‌هاست ثابت و لایتغیر بوده و عقل به آن در همه ازمنه و امکانه حکم کرده و می‌کند. پس اگر روابط بین‌الملل براساس روح ادیان که در همه ادیان واحد است تعریف و طراحی شود هم به قانون واحد خواهیم رسید و هم از قابلیت پذیرش عمومی برخوردار خواهد بود.

## روش‌شناسی

متکلمین و حکما در تعاریف علم و حکمت تمایز قائلند و علم را به معنی درک حقیقت عالم و حکمت را درک سرّ اشیاء می‌دانند و هر دوی آنها در مراتب تعالی به یکدیگر نزدیک می‌شوند. استعاره حکمت که مدّ نظر ما قرار دارد نازله تنزل یافته از بارقه حکمت بالغه شارع است که در تشریح احکام صوری و فرعی ادیان مختلف می‌تواند علت تقنین حکم بوده باشد. قاعده کلی اصل حکمت که تلازم عقل و شرع (به معنی قانونگزاری) را فراهم می‌آورد بنیان اصلی نگرش ما به حل موضوع است. لذا در اینجا با مدّ نظر قرار دادن این شیوه عقلی که مستنبط از روح واحد همه ادیان است سعی بر این خواهیم داشت تا مفاد لازم را برای ارائه مجموعه‌ای از اصول کلی که بتواند مورد قبول دول جهان باشد را فراهم آوریم تا همانگونه که اعلامیه حقوق بشر توانست زمینه‌ای را برای تعامل دولت‌ها با افراد طرح نماید این اعلامیه نیز چارچوب رفتار دولت‌ها را در برابر یکدیگر مشخص نماید.

## اصول حقوق بین‌الملل عمومی

حقوق بین‌الملل شاخه‌ای از حقوق است که به تنظیم روابط بین افراد و ملت‌ها و دولت‌ها در سطح بین‌المللی می‌پردازد و سعی بر تنظیم و اعمال حق بر روابط دیپلماسی و کنسولی دولت‌ها با یکدیگر و مناسبات دولت‌ها با سازمان‌ها و نهادها و مؤسسات بین‌المللی دارد. حقوق بین‌الملل خصوصی شامل قواعد مرتبط با مناسبات و روابط افراد ملت‌ها با یکدیگر و تفاوت‌ها و تناقضات قوانین کشورهای مختلف و روش رفع اختلافات و تعارض بین آنها و احکام و قواعد مربوط به آن می‌شود. نگاه ما به قواعد حقوقی مندرج در این بخش تعمیم حکمی احکام اسلام به حیطه حقوق بین‌الملل است. از دیدگاه حکمت، علت و سرّ هر حکمی مبنای اصلی وضع حکم است لذا با دریافتن علت احکام و روح قوانین شرعی در صدد تعمیم قواعد و احکام به سطح حقوق بین‌الملل خواهیم بود.

### ۱- اصل جواز عمومی در پذیرش اصول کلی حقوقی

اصول کلی حقوقی که از طرف ملل متملّن به رسمیت شناخته شده از منابع مشخص و مستقل حقوق بین‌الملل است.

### ۲- اصل مقبولیت حقوق موضوعه بین‌الملل در حدّ موافقت با شرع

منابع و قواعد حقوق بین‌الملل شامل عهدنامه‌های بین‌المللی اعمّ از خصوصی و عمومی که طرفین اختلاف آن قواعد را

صریحاً شناخته‌اند و رسوم بین‌المللی و اصول عمومی حقوقی که مقبول ملل متمدن است و نهایتاً تصمیمات قضائی و عقاید برجسته‌ترین مؤلفین ملل مختلف به منزله وسایل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی است بطوری که متناقض با قرآن نباشد.

### ۳- اصل مقبولیت حقوق بین‌الملل عرفی

عرف آن دسته از قواعد حقوقی است که دولتها در طول زمان در روابط بین خود آن را اعمال داشته و رعایت نموده‌اند به طوری که وجدان عمومی دولتها آنها را لازم‌الرعايه می‌داند به عنوان منبع ثانویه حقوقی مقبول است.

### ۴- اصل اولویت به عفو و نیکی و تألیف قلوب

در روابط انسانی اعم از داخلی یا بین‌المللی عفو همواره اولی به قصاص است. نباید هر اقدام سوئی را بالاخص اگر از روی جهالت بوده یا مرتکب از اقدام خود ناخشنود است پاسخ داد. عفو و اغماض نباید به ظالم‌پروری بیانجامد که در این صورت خود از ظلم بدتر است. اولی بودن عفو به قصاص یک نوع استحسان تفضیلی است و مستوجب الزام نیست و مستحسن در تخییر است.

### ۵- اصل وفای به معاهدات

معاهده موجب مسؤولیت الزام‌آور می‌گردد و مادام که طرف متقابل به تعهدات خویش در مورد اوضاع و احوالی که مبنای عقد و شرط اساسی رضایت طرفین معاهده بوده پایبند است الزامات معاهده نافذ است.

### ۶- اصل الزام به رعایت تشریفات قراردادهای

برای جلوگیری از اختلافات بین‌المللی ناشی از ابهام در مفاد قراردادی، قراردادهای فی‌مابین باید با ملاحظه جمیع امور قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی تنظیم و تمهیدات لازم از قبل در قرارداد درج گردد.

### ۷- اصل رفتار به عدل

قضاوت و داوری به عدل بین تمام گروه‌ها و ملل یکسان است و ارجحیتی بین اصحاب دعوی نیست.

### ۸- اصل مبتنی بودن جزا بر قطعیت جرم

هیچ دولتی حق ندارد با طرح بهانه‌های ظنی اقدام به اتخاذ سیاستهای خصمانه در سطح بین‌الملل نماید و فقط وقتی مجاز به اقداماتی از این دست است که قطعیت جرم احراز شده باشد.

### ۹- اصل مساوات در برابر قانون

از لحاظ حقوقی تفاوتی بین دولتها نیست و همه در برابر قانون یکسانند. ملاحظات و امتیازات سیاسی در دادگستری بین‌المللی مردود است.

### ۱۰- اصل دوام دولت

اعمال و تفکرات گذشتگان تکلیفی برای آیندگان ایجاد نمی‌کند. اگر حکومت کشوری تغییر کند دولت به معنای

حاکمیت بر سرزمین کشور تغییر نمی‌کند. اگر حکومت‌های قبلی تعهداتی را با دول دیگر بسته‌اند این تعهدات مجدداً با تغییر دولت باید تنفیذ یا از اعتبار آنها کاسته یا حتی ساقط شوند. استثناء در دیون است که از مایملک حکومت گذشته به حکومت جدید منتقل می‌شود.

#### ۱۱- اصل منع سوءاستفاده از حق

کشورها حق ندارند از حقوق خود در تجاوز به کشورهای دیگر خصوصاً کشورهای ضعیف استفاده نمایند. اگر کشوری با اعمال قدرت نامحدود موجب زیان کشور دیگری شده باشد دادگاه بین‌المللی می‌تواند با استفاده از قاعده «سوءاستفاده از حق» مانع گردد.

#### ۱۲- اصل منع اضرار

اعمال حق را نمی‌توان وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع دیگری یا عموم قرار داد و دولتها حق ندارند در احقاق حق خود موجبات ضرر دیگری را فراهم آورند. اگر کشوری در جنگ با دولت دیگری است حق ندارد از خاک کشور ثالث برای احقاق حق خود استفاده و به حق حاکمیت او تجاوز نماید یا اقدام به عملی نماید که سبب رسیدن زیان به کشور ثالث شود.

#### ۱۳- اصل بر براءت است

اصل براءت مبتنی بر اصل قانونی بودن جرم است و هیچ عملی را نمی‌توان جرم دانست مگر آنچه که به موجب قانون جرم شناخته شده باشد. اگر کسی مدعی حقی یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند و الا حکم به براءت مدعی علیه است.

#### ۱۴- اصل سدّ ذرایع بین‌المللی

اعتلای بشریت منوط به اعتلای تمام آحاد انسان‌هاست و اگر فساد در کشوری رخنه کند به ضرر و زیان کشورهای دیگر خواهد بود. لذا هر عملی که عادتاً سرانجام منجر به مفسده‌ای گردد، بایست از آن ممانعت بعمل آورد.

#### ۱۵- اصل انحصار استحسان به صاحب امر و اجازه

استحسان صدور حکم به سبب نیک دانستن و پسندیدن عملی و رعایت مصلحت خود و دیگری است و منحصر به صاحبان امر و اجازه است.

#### ۱۶- اصل استصلاح بین‌الملل

صدور حکم و اتخاذ روش باید به مصلحت تمام اطراف کشورهای درگیر باشد و در مجموع مصلحت بشریت را از لحاظ تعالی مادی و معنوی مدّ نظر قرار می‌دهد.

#### ۱۷- اصل استصحاب بین‌الملل مشروط به حلیت حق

با بقاء ثابت شده حق، مشروط به حلیت آن، ابقاء بر ماکان است.

۱۸- اصل عطف به ماسبق نشدن قانون

آثار حقوقی یک قانون به حقوق گذشته افراد یا نهادها یا کشورها به زمان پیش از تصویب آن تسری نمی‌یابد.

۱۹- اصل دوام تصرف بلامعارض

تصرف طولانی بدون معارض استمرار حاکمیت آن کشور نسبت به مورد تصرف را سبب و مبین شناسائی حاکمیت غیرغصبی کشورها در سرزمین‌های خودشان است. استثناء در مبحث اصل شناسائی دول ذکر می‌شود.

۲۰- اصل پاداش و کیل محق و کیفر و کیل باطل

وکالت باطل یعنی تلاش برای تفوق باطل بر حق، معاونت در جرم است و برای بردن روند جریان محاکم به صلاح و فلاح باید معاون در جرم در عقوبت مجرم سهیم و شریک گردد.

۲۱- اصل رفع تکلیف در جهل به حکم تشریحی و عدم رفع آن در جهل به حکم فطری

جهل به حکم فطری رافع تکلیف نیست ولی جهل به حکم تشریحی رافع است.

۲۲- اصل احترام به حقوق مکتسبه

حقوق و امتیازات اکتسابی که در زمان اکتساب مشروع بوده و ناش از گذشت زمان حقوق مکتسبه به شمار می‌آیند لازم الاحترام هستند.

۲۳- اصل اعتبار امر مختومه

اگر مورد منازعه و اختلاف به صورت نهایی و قطع توسط دادگاه ذیصلاح رسیدگی و تعیین تکلیف شد برای طرفین دعوی مختومه است و نمی‌توان مجدداً آن را به جریان انداخت مگر با ارائه مدارک جدید دال بر کشف حقیقت.

۲۴- اصل مسؤولیت بین‌المللی

هرگاه شخصی یا دولتی مرتکب عملی شود که به دیگری آسیب وارد آید مسئول است.

۲۵- اصل جبران خسارت ناروا

اگر شخصی یا دولتی با اقدام به عملی یا خودداری از انجام عملی به دیگری خسارت زند موظف است تا خسارت وارده را جبران نماید.

۲۶- اصل وجود حیات در قصاص

تقنین قصاص و تقید دولت‌ها به اجرای آن بازدارنده تعدی و مانع تجاوز است. قصاص و خونخواهی کشته شدگان جنگها پس از اتمام جنگ ذیل اصل مسؤولیت بین‌المللی قرار می‌گیرد.

۲۷- اصل عدم جواز به تعدی در قصاص

چنانچه جرم و جنایتی از جانب تبعه عادی یا دولتی بر تابعین کشور دیگر وارد آمد حق قصاص حداکثر به میزان جرم

خواهد بود.

۲۸- اصل تسهیل در فورس ماژور (عسر و حرج)

تسهیل در قطعیت احکام در شرایط اضطرار که وقایع نامعمول روند انجام عقد را به مخاطره یا دچار توقّف سازد قابل قبول است.

۲۹- اصل آزادی تجارت در حقوق تجارت بین الملل

تجارت مشروع در صحنه بین المللی آزاد است.

۳۰- اصل آزادی دریاها و جو

قوانین و مقررات مشرف بر شوارع عام و راه های زمینی، دریایی و هوایی بر اساس توافقات عمومی بین المللی در فضای ماوراء جو قابل احترام است.

۳۱- اصل شناسایی بر مبنای کرامت انسان و نه دولت

شناسایی پدیده عرضی است و نه ذاتی و به مفهوم مطرح در حقوق بین الملل فعلی مورد قبول نیست. سرزمین به عنوان ملکی که در اختیار دولتی باشد معیار شناسایی نیست و سکونت افراد در هر سرزمینی که به اقامت در آن ترجیح می دهند قابل احترام است.

۳۲- اصل شناسایی کامل حقوق مالکیت افراد و شناسایی ناقص حاکمیت دولت ها

حقوق مالکیت فردی قطعیت دارد ولی حق حاکمیت بر سرزمین در زمره حق مالکیت نیست. تجاوز به مالکیت افراد و ملت ها محکوم است.

۳۳- اصل اهداء تابعیت به متقاضی

تابعیت رابطه سیاسی و حقوقی شخص است که او را به دولت معین مستقر در سرزمینی منسوب می نماید. حقوق فطری افراد برتر از حقوق موضوعه ملی است و تنها مقررات و الزامات خاص حقوقی موضوعه کشور یا منطقه سیاسی رافع آن است. با کشیدن مرز، انسان ها متفاوت نمی شوند و هر کس می تواند با رعایت مقررات و الزامات خاص دولت یا منطقه سیاسی هر جا که مایل باشد ساکن شود و ملیت موجب تضييع حقوق فطری و اعطای تابعیت سیاسی و اجتماعی نیست. پس دادن پناهنده به دولتی که در تعقیب او است مجاز نیست. استثناء این موضوع تعدی به حق الناس ملل دیگر است.

۳۴- اصل الزام شهادت به صحت و اقرار به خطا و ممنوعیت کتمان حق و شهادت زور

در قضاوت ها و مشاجرات بین المللی وظیفه دیپلماسی قوام شهادت به عدل است. ممنوعیت کتمان حق و شهادت زور یا استشهاد به زور نیز از جمله موارد مشمول این اصل است.

۳۵- اصل قبول تحقیق در حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی

روش «تحقیق» در حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی در اولویت قرار دارد.

۳۶- اصل مذاکره در حل و فصل اختلافات و پذیرش داوری در دعاوی بین‌المللی  
روش انتخاب احسن در حل و فصل بین‌المللی اختلافات روش شورا و مشورت و تعمیم آن به داوری و حکمیت است.

۳۷- اصل وجوب میانجیگری و اصلاح (میانجیگری اختیاری)  
اصلاح و میانجیگری بین اقوام و ملل و دول از وظایف دولت‌ها است و اگر پس از صلح مجدداً یکی از طرفین جنگ به دیگری تجاوز نماید میانجی حق سرکوب متجاوز را دارد تا به صلح بازگردد. این خط مشی بر خلاف رویه فعلی بین‌المللی است که هر کجا جنگ درمی‌گیرد دیگر کشورها به نظاره می‌نشینند یا از جنگ آنها بهره‌برداری می‌نمایند یا به اطراف منازعه تسلیحات می‌فروشند.

۳۸- اصل آشتی دادن و دخالت در جنگ‌های بین‌المللی (میانجیگری اجباری)  
طریقه آشتی از طریق رسیدگی و حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی توسط کمیسیون‌هایی مرکب از متخصصین و حقوقدان‌ها و دیپلمات‌ها است و مقدم به میانجیگری اختیاری است.

## اصول سیاست خارجی

سیاست خارجی هر دولتی چگونگی نگرش و برخورد یک دولت را با دول دیگر مشخص می‌کند. در جهان امروز، اساس سیاست‌گذاری خارجی کشورها اقتضای منافع آنان است در صورتی که هدف باید اعتلای بشریت باشد و نه اعتلای کشور به تنهایی. منافع ناشی از اعتلای بشریت آنقدر زیاد است که باعث انتفاع تک تک کشورها نیز خواهد شد و این نفع بیش از منفعت زمانی است که سود هر کشور جداگانه حداکثر شود و حداکثر کردن سود یک کشور به تنهایی کمتر از حداکثر کردن سود یک کشور ناشی از حداکثر کردن سود جامعه جهانی است. این دیدگاه مبتنی بر استدلالات ریاضی اثبات شده و بسیار دقیق است.

۳۹- اصل انطباق مصلحت اسلام بر مصلحت بشریت  
در اسلام ملیت و قومیت و به تبع، منافع ملی و قومی به شکل متعارف آن تعریف نمی‌شود. اسلام به دنبال روشی است که مصالح و منافع بشریت را تأمین کند. مصلحت اسلام و دولت اسلام منطبق بر مصلحت بشریت است. همین خصیصه در سایر ادیان حقه الهی است. استثناء فقط هنگامی است که دول دیگر قصد به تجاوز به حریم اسلام و آن هم از طریق اقدام عملی به حرب داشته باشد.

۴۰- اصل تعلق اسلام به بشریت  
دین اسلام مختص به مسلمین نیست بلکه متعلق به همهٔ ابناء بشر است. دستورات اسلام نیز برای همهٔ کسانی است که مایل به تبعیت از اسلام و بهره‌مندی از دستورات آن باشند است. کلیهٔ ابناء بشر نزد اسلام گرامی هستند و علت و هدف ظهور اسلام رحمت برای همهٔ ابناء بشر است. مسلمین حق ندارند خود را ارجح به دیگر اقوام و ملل بدانند و بر ایشان فخر فروشند یا آنکه بخواهند دیگران را با تحت فشار قراردادن هدایت یا راهنمایی کنند. همین خصیصه در سایر ادیان حقه الهی است.

#### ۴۱- اصل کرامت انسانی

کلّیهٔ ابنای بشر در هر وضعیت و با هر رنگ و نژاد و قومیتی گرامی هستند و نمی‌توان بدون مجوز قانونی انسانی خواری یا تحقیر نمود. اگر مخاصمتی با دولت خارجی وجود دارد نباید آن را به افراد ملت که همان بنی آدم است تعمیم داد و به برخورد خصمانه با آنها پرداخت.

#### ۴۲- اصل وحدت

اصل وحدت از مسلم‌ترین اصول دینی تمام ادیان حقیقی الهی است و عنصر تشکیل دهندهٔ سیاست خارجی و دیپلماسی می‌باشد. کلّیهٔ افراد بشر در حصن حصین کلمهٔ طیبهٔ لا اله الا الله قرار دارند و همه با هم برادر و مستحقّ حقوق برادری و برابری‌اند. احراز این حقوق مبتنی بر دین و آئین و مسلک و عقاید افراد نیست و حکومت‌ها موظّف به اعطای حقوق مساوی به همهٔ افراد و گروهها با عقاید و مذاهب یا ادیان مختلف می‌باشند. استثناء فقط در محدود کردن متجاوز در تجاوز به حقوق دیگران مصداق می‌یابد.

#### ۴۳- اصل عدم تبعیض نژادی

امتیاز یا محدودیت برای نژادهای مختلف قابل قبول نیست. از جمله گزینش‌ها و تنظیم سهمیه‌های دولت‌ها در مهاجرت افراد متعلّق به نژادهای مختلف است که بعضاً با این هدف صورت می‌گیرد که اختلاط نژادی ناشی از نژادهای مختلف سبب تغییر اصالت نژاد کشور مهاجرپذیر نشود. این سهمیه‌بندی و سایر امتیازات مشابه یا مضایق از این دست ممنوع است.

#### ۴۴- اصل بیزاری از مشرکین

تفکر و تقوا و علم هر سه ملازم یکدیگرند و ادیان برای تنویر افکار نازل شده‌اند و تلاش انبیاء و اولیاء و اوصیاء الهی همگی در جهت تنویر افکار بوده و هست. هر کس با گفتن لا اله الا الله حتّی به دروغ وارد اسلام می‌شود و از جمیع حقوق مسلمین در جامعهٔ اسلامی برخوردار خواهد شد. مضایق وضع شده در مورد مشرکین در جهت ترغیب آنان به تفکر در کتاب خلقت و خالق آن است تا از کوته فکری خود که مجسمه‌ای از سنگ یا چوب یا فلزات و جواهرات می‌سازند و گویند این خدای ماست دوری جویند.

#### ۴۵- اصل انترناسیونالیسم اسلامی در مقابل ناسیونالیسم دولت‌ها

ناسیونالیسم نباید ظرفی برای اعمال قدرت حکومت‌ها بر همسایگان و بر ملت خود باشد. با رقیق کردن ناسیونالیسم و تفاوت‌های نژادی، قومی و فرهنگی و متمایل ساختن آنها به اصول تساوی و برابری باید خرافات ناشی از تفاوت قومیت‌ها و نژادها و گروهها و قبائل را منسوخ نمود. همه برادر و برابر هستیم و مرزهای سیاسی نباید وسیله دولت‌ها برای حفظ منافع خود و برتری جوئی بر دیگری سد راه اخوت انسانی گردد.

#### ۴۶- اصل ممنوعیت تفاخر و برتری جویی ملی

توهم برتری از بی‌خبری و جهل است و همهٔ ما مصنوع یک خالق هستیم و هیچکدام بر دیگری برتری نداریم و همه با هم برادریم و شعبه و قبیله و کشور و ملیت و سایر ویژگی‌ها دلیل برتری و فخر فروشی بر دیگری نیست.



۴۷- اصل همزیستی مسالمت آمیز

اصل در رفع موانع دوستی میان خود و دشمنان است.

۴۸- اصل دوستی با ملل و اقوام

دین بر دوستی استوار است و دوستی مراتب مختلف دارد. دوستی مؤمنین با اقوام و گروه‌های مختلف پس از عشق به خدا و نبی و ولی و وصی ع به ترتیب اهمیت زیر است:

أ - مؤمنین (آنان که بیعت عام و خاص نموده‌اند چه در رشته رسول اکرم ص و چه در رشته‌های متصل سایر ادیان الهی).

ب - مسلمین (آنان که بیعت عام نموده‌اند).

ج - مسلمین وارد در نحلّه اسلام (آنان که بدون بیعت در اجتماع مسلمین نام مسلم بر خود دارند یا به سبب اسلام والدین یا جامعه در نحلّه اسلام قرار گرفته‌اند).

د - اهل کتاب (یهود و نصاری و صابئین و مجوس و باقی رشته‌های ادیان حقّه).

ه - اهل کتاب استهزا کننده.

و - مشرکین (آنان که با پروردگار عالم دیگران اعم از اشیاء یا انسانها یا حیوانات را نیز به ربوبیت می‌پرستند).

ز - کفار (آنان که پروردگار عالم را قبول ندارند).

۴۹- اصل حفظ منافع همه ملل و دول در حضور یا غیاب

هر دولتی در حفظ منافع سایر ملل و دول عالم اعم از آشکار یا پنهان و در حضور یا غیاب مسئول است و به دلیل حفظ منافع ملت خود مجاز به اجحاف به حقوق آنان نیست و عدم حفظ منافع غیر خیانت تلقی می‌شود. استثناء دفاع در مقابل حمله دول دیگر و محاربین و دیگر در زمانی است که مورد ظلم واقع شود. حفظ منافع مظلوم و برخورد با ظالم از وظایف دول دیگر است.

۵۰- اصل امانت‌داری

هر نوع مال و دارائی افراد و دولت کشوری نزد کشور دیگر امانت است و دولت میزبان موظف به امانت‌داری و رد آنها به صاحبانش است.

۵۱- اصل ممنوعیت منع خیر

توسعه و رشد کشورها در گرو و تعامل در توسعه و رشد یکدیگر است. در این ارتباط رویه بین‌المللی دولت‌ها باید به گونه‌ای تنظیم شود تا منجر به رفع موانع کمی و کیفی توسعه و رشد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برای همه دول و ملل عالم شود.

۵۲- اصل بیطرفی ناکامل سیاسی

دولت‌ها در ارتباط با انسان‌ها چه شهروندان داخلی و چه خارجی مسئولند که هرگاه در زیر ستم و نیازمند حمایت باشند آنها را حمایت کنند و با ستمگر مقابله نمایند. قابل قبول نیست که عده‌ای تحت ستم باشند و سایر دولت‌ها موضع بیطرف

نسبت به ستم‌دیده و ستمگر بگیرند.

#### ۵۳- اصل نفی تحت‌الحمایگی و جواز حمایت

دولت اسلام تحت‌الحمایه هیچ کشوری قرار نمی‌گیرد بلکه کشورهای دیگر را نیز تحت‌الحمایه قرار می‌دهد.

#### ۵۴- اصل عدم مداخله در امور کشورها

هر کشور حق دارد سرنوشت خود را خودش تعیین کند و کسی حق ندارد در تعیین و ترسیم سرنوشت او تصمیم بگیرد. هیچ کشوری مجاز نیست بطور مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی کشورهای دیگر مداخله نماید. اصل بر اقدام متقابل و عدم دخالت در امور کشورهاست مگر گروهی تحت ظلم و ستم واقع شوند.

#### ۵۵- اصل وجوب آزادسازی ستم‌دیدگان

زمانی که به ستم‌دیدگان ستم شود سایر دولت‌ها موظف به حمایت از ستم‌دیده و مظلوم هستند و باید به رفع ظلم از ناتوانانی که به آنها ظلم می‌شود حتی با جنگ اقدام کند. این یاری در لشکرکشی‌های بین‌المللی براساس توافقات و قوانین بین‌المللی است و نباید بهانه کشورهای دیگر در تجاوز به کشورهای کوچک به بهانه آزادسازی ملل آنها قرار گیرد. استثناء دربارهٔ پیمان‌هایی است که قبلاً بسته شده باشد.

#### ۵۶- اصل حمایت بین‌المللی از اقلیت‌ها

دولت‌ها مکلفند تا نسبت به رفع تبعیض نژادی و بیگانه ستیزی و سایر اشکال نابرابری در مورد اقلیت‌های ملی یا قومی یا مذهبی یا زبانی و اعطای شرایط مساوی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به آنان و آزادی آنها در عقاید، آراء، رسوم، سنن، مذهب، زبان، قومیت و ملیت خود بر طبق نظر و ارادهٔ خودشان، اقدام نمایند. محدودیت این اصل در تجاهر به فسق و تجاوز به حقوق دیگران است.

#### ۵۷- اصل عدم مصداق بردگی و برده فروشی در این زمان

در صحت رقیب تمام غلامان و کنیزانی که در این زمان وجود دارند شک و تردید است و همه آنها آزاد هستند.

#### ۵۸- اصل اتحاد بر حق

اتحادیه‌های مختلف اعم از نظامی، سیاسی، اقتصادی و تجاری در بین گروه کشورهای مختلف با اهداف کلی افزایش کارآئی انتفاع بین کشورهای عضو و افزایش سود یا جلوگیری از زیان وارده ناشی از کشورهای غیرعضو همواره در جهت حداکثر کردن منافع گروهی اعضاء در شرایطی قابل تشکیل هستند که باعث پایمال شدن حقوق دیگران نشوند و برای اعمال ظلم به کشور دیگر نمی‌توان با کشور ثالثی متحد شد یا معاهده بست. تعمیم این اصل با توافق یکپارچه بین‌المللی و اتحاد جهانی کشورها ضامن اجرای قوانین بین‌المللی است.

#### ۵۹- اصل ممنوعیت ظلم و عدم جواز به یاری در ظلم

ظلم، عبارت از وضع یا منع شیء در غیر جایی است که باید گذاشته شود، و به اعطاء حق به غیرمستحق و منع حق از

مستحق تفسیر می‌شود. عدم عمل به حق به معنی ظلم و در زمره جرم است. دولت‌ها نباید در مورد دول یا افراد آن مرتکب عملی گردند که از حق دور و به ستم نزدیک باشد یا به دولت‌ها و افرادی که به دیگر افراد و دولت‌ها ستم می‌کنند یاری کنند.

۶۰- اصل عدم جواز به سلطه‌جویی و بغی

دولت‌ها چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ مجاز به سلطه‌جویی، بسط ید و حکومت و ریاست بر امم عالم نیستند.

۶۱- اصل اکراه به جنگ

دفاع در برابر متجاوز و یاری مظلوم و استنصار بر همه واجب است و در غیر این صورت نمی‌توان به بهانه‌های متفاوت اقدام به تجاوز تکفیر یا حمله به دیگری با هر دین و مسلکی نمود.

۶۲- اصل عدم جواز به حمله و جواز دفاع

اصل بر اصلاح و صلح بین ملل است. تعدی از هر نوع، «تعدی از ابتدا» یعنی تجاوز و شروع جنگ و «تعدی در میانه» جنگ یعنی بیش از آنکه لازم است به دشمن آسیب زده شود یا ادامه جنگ پس از آنکه دشمن تسلیم شد یا به اسیران یا غیرنظامیان ممنوع است.

۶۳- اصل شدت برخورد با متجاوز محارب

تنبیه متجاوز نه تنها تأدیب اوست بلکه تنبیه سایرین در اقدام به تجاوز است. برخوردهای شدید از این نوع همانند قصاص موجب حیات جامعه بشری است.

۶۴- اصل وجوب یاری در نیکی و ممنوعیت یاری در تجاوز

کشورها مجاز به یاری رساندن به یکی یا دو یا بیشتر یا همه طرفهای درگیر در جنگ به دلیل منافع احتمالی فعلی یا آتی خود یا به دلیل ناخوشایندی از ایدئولوژی کشور مظلوم نیستند.

۶۵- اصل مبتنی بودن استراتژی و تاکتیک‌های جنگی بر نظر صاحب اجازه

رؤسای حکومت‌ها که به بهانه‌های مختلف جنگ افروزی نموده و افراد مملکت خود یا مملکت حریف را به کشتن می‌دهند مسؤول هستند. مباحث بسیاری در مورد وحدت فرماندهی، پایداری و استقامت، عقب نشینی، وجوب کفایتی شرکت در جنگ، آمادگی رزمی و بسیج همگانی، رفتار با دشمن و حُسن رعایت مسائل حقوق بشر در جنگ و حمله‌های جنگی و کشتار نظامیان و نظامیانی که مجبور به شرکت در جنگ شده‌اند، حقوق غیرنظامیان، تسلیم شدگان، فراریان، اسلام آوردندگان، مجروحان و اسیران جنگی، هدفهای غیرنظامی، محاصره اقتصادی، تخریب اموال دشمن، استعمال تاکتیک‌های جنگی و سلاحهای شیمیایی و میکروبی و تشعشی و اتمی، امان در جنگ، غنیمت جنگی اعم از منقول و غیر منقول، ترک مخاصمه، انعقاد پیمان‌های مکمل و عدم جواز به حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامیان و بسیاری موارد دیگر از حقوق بین‌الملل که در جنگ‌ها پذیرفته شده و در ارتباط با جنبه‌ها و اصول انسان دوستانه هستند لازم‌الرعایه است.

۶۶- اصل اجبار در پذیرش پیشنهاد صلح

هرگاه متجاوز درخواست صلح بدون نیت فریب داشته باشد پذیرش آن توسط دولت‌های متخاصم فرض است.

۶۷- اصل عدم جواز به اسارت دشمن پس از خاتمه جنگ

وقتی متجاوز سرکوب شد و نیروی دشمن به اسارت درآمد دیگر جوازی برای نگهداری اسرا نیست و باید آنها را یا رها نموده یا پس از دریافت فدا آزاد نمود.

۶۸- اصل عدم جواز به شکنجه و آزار اسرای دشمن

آزار اسرای دشمن و حتی سایر مجرمین به مثابه تعدی تلقی می‌شود و ممنوع است و شکنجه دهنده یا آزار دهنده مستحق مجازات است. نمی‌توان برای تلافی حمله دشمن اسرایی از دشمن که در تک و پاتک‌ها یا پیکارهای قبلی به اسارت گرفته شده‌اند را قصاص کرد یا کشت یا شکنجه نمود.

۶۹- اصل عدم جواز در تجارت و اقدامات ضد بشریت و ضد محیط زیست

فعالیت‌هایی که موجب تخریب محیط زیست، اعم از گیاه، حیوان و انسان گردند از جمله تولید و تجارت مواد مضر و سموم شیمیایی به منظور از بین بردن انسانها و تخریب مزارع و دامها برای ضربه زدن به دیگران، تسلیحات برای حمله و سلاح‌های کشتار جمعی، دفن زباله‌های هسته‌ای در کشورهای ضعیف و تبانی با مأموران و رهبران آنها، تولید، مصرف، صادرات و واردات هر نوع ماده اولیه یا واسطه‌ای مصرفی که باعث فساد در نبات و دام و انسان گردد و مضر به سلامتی آنها باشد و سایر موارد مشابه ممنوع است.

۷۰- اصل عدم جواز به از بین بردن مواد غذایی در جهت کسب منافع مادی

افزایش قیمت مواد غذایی با از بین بردن بخشی از آن یا کاهش سطح زیر کشت جهت کاهش عرضه و نتیجتاً افزایش قیمت مجاز نیست و نمی‌توان حق ضعفا و ناتوانان از ملل دیگر را نادیده گرفت و هرطور که منافع ملی اقتضاء کرد به کسب منافع پرداخت.

۷۱- اصل ممنوعیت احتکار بین‌المللی ارزاق و الزام خوراک‌رسانی به گرسنگان جهان

احتکار ارزاق عمومی چه داخلی و چه خارجی جایز نیست و در صورت قحطی و خشکسالی که مردم گرسنه باشند مراجع قانونی مجازند تا برای جلوگیری از تلف شدن انسان‌ها ناشی از قحطی و گرسنگی فرمان دهند انبارها را باز کنند و قوت مردم را به آنها دهند.

## اصول دیپلماسی

دیپلماسی به دو معنی کلی خط‌مشی یا سیاست‌های یک کشور در قبال مسائل سیاسی بین‌المللی اعم از کشورهای خارجی یا مناطق مختلف یا پیمانهای بین‌المللی اعم از جهانی یا منطقه‌ای و به مفهوم هنر یا فن مذاکره جهت رسیدن به تفاهم مشترک در عرصه بین‌المللی می‌باشد و به هر معنی در برقراری ارتباط مفهوم پیدا می‌کند. هدف و انگیزه دیپلماسی

در اصل چرائی ایجاد و برقراری رابطه با دنیای خارج است و نباید تنها در کسب امنیت و منفعت خلاصه شود و علیرغم توجه به حصول جمیع مؤلفه‌های مورد نیاز برای ایجاد امنیت و کسب منفعت برای دولت و ملت، باید به دنبال هدف بالاتری اقدام به طراحی دیپلماسی و برقراری روابط بین‌الملل نمود. هدف دیپلماسی باید اشاعه‌تعالی انسانی باشد. قواعد کلی دیپلماسی نحوه رفتار حکومت یک کشور با دیگر ملت‌ها و دولت‌ها است که در این بخش به اصول لازم‌الرعايه آن خواهیم پرداخت.

#### ۷۲- اصل مأموریت بر مبنای اجازه

احراز مناصب دینی، قضائی، سیاسی و اجرائی بر مبنای اجازه است و هیچکس از پیش خود محق نیست تا حتی در امور جزئیة فرعیة حکم کند.

#### ۷۳- اصل اطاعت از صاحبان اجازه

هر عملی بدون اجازه صاحب‌اذن فضولی در امر تلقی و ممنوع است. این اصل بازدارنده دیپلماسی سرخود یا اجتهاد به رأی است.

#### ۷۴- اصل مسئولیت دیپلماتیک

بطور کلی مأمور معذور نیست بلکه مسئول است و موظف است وظایف خود را به نحوی انجام دهد که سبب تحقق حق گردد و نه سبب تحقق مأموریت اسمی وی. به عبارت دیگر مأموریت مأمور سیاسی استیلائی حق بر ظلم به مفهوم گسترده حق و ظلم است. وظیفه مأمور سیاسی تنها حفظ منافع ملی یا قومی یا فردی نیست و هنگامی که او را برای نمایندگی یا مذاکره یا گزارش‌دهی یا گسترش روابط اعزام می‌نمایند در اصل برای حصول منافع بشریت اعزام می‌نمایند و نه تنها برای حصول منافع دولت متبوع یا آمر او یا فرد وی. در مأموریت او وظیفه دارد تا کلیه مملوکات حق را به میزان شأن آنها مراقبت و خدمت و التفات نماید.

#### ۷۵- اصل مصونیت سیاسی و عدم مصونیت اجتماعی و شخصی دیپلمات

وظایف دیپلمات‌ها در حدود موارد شمرده شده در کنوانسیون وین و با این استثناء که دیپلمات موظف به حفظ منافع ملل دیگر و موظف به اعتلای حق و رفع ظلم و تعالی بشریت نیز هست، مورد قبول و احترام است. مصونیت شخصی دیپلمات‌ها نظیر توقیف و تفتیش مراسلات و منازل و لوازم آنها همانگونه که در مورد سایر افراد ممنوع است در مورد آنها نیز ممنوع می‌باشد. چنانچه دیپلماتی تجاوز به حقوق دیگران نماید که مستوجب مجازات براساس قانون باشد از جزاء معاف نیست ولی اگر شاکی فردی یا خصوصی نداشته باشد و جرم وی در زمره جرائم حقوق خصوصی طبقه‌بندی نشود طبق مصالح دولت میزبان از لحاظ عفو یا اخراج با وی برخورد خواهد شد. و چون این برخورد طبق عرف بین‌المللی غالباً متقابلاً پاسخ داده می‌شود بایست بر سبیل عفو باشد تا سبب نزاع در بین امم و ملل و دول نگردد. هیچ دولتی مجاز نیست برای تلافی اعمال دولت دیگر دیپلمات‌های آن را مورد ایذا و اذیت قرار دهد.

#### ۷۶- اصل تبلیغ به عمل و محدودیت امر و نهی بیانی

برای تربیت دیپلمات‌ها و دیگران این مسئله لازم است تفهیم شود که تبلیغ بر مبنای صلاح و صحت عمل است و تبلیغ

زبانی فقط مختص افرادی است که در این باب اجازاتی دارند.

۷۷- اصل عدم جواز به تحمیل عقیده

تحمیل عقیده جایز نیست. آزادی فرد تا جائی گسترش می‌یابد که به آزادی دیگران لطمه‌ای وارد نسازد.

۷۸- اصل احترام به عقیده دیگران و منع تفتیش عقیده

هر کس آزاد است عقیده خود را داشته باشد و عقاید متنوع در میان اقوام و ملل مختلف جهان محترم - استثناء در عقیده شرک است - و استهزاء عقاید دیگران ممنوع است.

۷۹- اصل انطباق گفتار با کردار

دولت‌ها باید به همان چیزی که اعتقاد دارند عمل نمایند و به آنچه که عمل می‌نمایند همان باشد که به آن اقرار دارند.

۸۰- اصل ناپسندیدگی کید و نیرنگ سیاسی و اقتصادی

اصل چیزی است که چیز دیگر بر آن بنا شود. راستی و درستی اصل است. مکر مخفی کردن مقصود و اظهار غیر آن هنگام عجز از حصول مقصود به صورت آشکار می‌باشد. کید و نیرنگ یا حيله در ارتباط مستقیم با ضایع کردن حق یا حقوق دیگران به نفع خود از طریق اعمال روشهایی است که به نحوی صاحب حق آگاهانه یا ناآگاهانه، به اختیار یا بدون اختیار به رضایت یا عدم رضایت حق خود را بدون دریافت عوض عادلانه به نفع فرد متقابل از دست دهد و دور از شأن هر حکومت است که در جهت حفظ منافع خود با تصرف حق دیگران به حيله روی آورد و منافع و حقوق دیگران را از آن خود نماید. لذا هر اقدامی مبنی بر پنهان کردن واقعیت در جهت انتفاع ملی ممنوع است. استثناء در جنگ است.

۸۱- اصل صداقت در مذاکرات

صداقت و عدالت در مذاکرات اصل است و باید توسط مذاکره کنندگان رعایت شود. نمایندگان دول مقتدر نباید به شیوه‌های مختلف یا با کید و نیرنگ‌های دیپلماتیک در خلال قراردادهای متعدد با کشورهای ضعیف و عقب‌مانده موادی بکنجانند که به ضرر ملل محروم آن کشورها شود و منافع ملی کشورهای ضعیف را به نفع کشور متبوع خود به تاراج برند. قراردادهای در ظاهر مودت‌آمیز و دوستانه که در عمل باعث سوءاستفاده از ضعف و عقب‌افتادگی ملت طرف قرارداد شود باطل است. در مذاکرات چندجانبه نیز طرفداری و معیت باید از صادقین باشد.

۸۲- اصل ممنوعیت جعل کلام، دروغ و بهتان سیاسی

کلام دروغ و انتساب آن به دیگران و تشییع خلاف به بهتان یا افک یا افترا همه ممنوع و مردود است و نباید برای حصول اهداف سیاسی متوسل به دروغ و جعل کلام و بهتان و افک و افترا در عرصه بین‌المللی شد.

۸۳- اصل عدم جواز به توهین یا استهزاء

سب، توهین یا استهزاء در شأن دولت‌ها و دیپلمات‌ها و مردم آنان نیست و شدیداً نهی می‌شود. هرگونه اهانت، مرده‌باد، مرگ‌بر، کاریکاتور کشیدن، مجسمه رؤسای کشورهای مختلف را آتش زدن، شکلک درآوردن، پرچم کشوری را

آتش زدن یا بر زمین انداختن یا تصویر پرچم کشوری را بر زمین زیر پای مردم برای تحقیر و خوار کردن آن کشیدن و نمایش تلویزیونی دلچکی نشان دادن یا لطفه‌ها یا سرودهای نامحترمانه و مستهزی دربارهٔ یک کشور ساختن و از رسانه پخش کردن و بسیاری موارد مشابه خلاف اصول انسانی است.

۸۴- اصل تحیت و دفع حسن و جزاء احسن  
یکی از اصول اخلاقی برخورد نیکو و پاسخ خوب و پاداش بهتر از عمل طرف مقابل است.

۸۵- اصل عدم حمایت از خائن و جواز اقدام به مثل  
خیانت از صفات منهبه و رذیله و ممنوع است و نه تنها دفاع از خائن مجاز نیست بلکه عمل همانند خودش نیز مجاز است. از مصادیق خیانت در امور بین‌المللی و دیپلماسی عملیات جاسوسان است که در وظایف خود خیانت نموده‌اند یا مأموران و فرستادگان دولتی که در انجام وظایف محوله دچار تقصیر شده‌اند و دول خارجی که به تعهدات خود عمل ننموده‌اند و مسائلی از این دست است.

۸۶- اصل عدم جواز به دادن یا ستاندن رشوه  
رشوه دادن و گرفتن ممنوع است و فقط استثناء در پرداخت رشوه جهت اعادهٔ حق است.

۸۷- اصل ممنوعیت غصب و اکل اموال دول و ملل دیگر به باطل  
اکل اموال و حقوق و دارائی‌های ملموس و غیرملموس ملل و دول دیگر ممنوع است و دولت‌ها مجاز نیستند تا به بهانه‌های مختلف، اموال، مستغلات، حساب‌های بانکی یا سایر دارایی‌های منقول و غیرمنقول کشورهای دیگر یا تابعین آنها را بدون مجوز قضائی تصرف، مصادره یا حبس نمایند یا اقدام به گروکشی کنند مگر در شرایط جنگ و حرب گرم و نه جنگ سرد و آن هم تحت شرایط خاص جلوگیری از کمک به محارب. غصب نیز تصرف عدوانی در مال یا متعلق یا حق غیر است و غاصب باید مال را به مالک مسترد نماید و چنانچه مال مغضوب تلف شود غاصب ضامن مثل یا بهای آن است.

۸۸- اصل ممنوعیت ترور  
ترور و قتل افراد اعم از شهروندان داخلی یا خارجی با هر وسیله و ابزار و توسط هر شخص یا دولت با واسطه یا بلاواسطه، فردی یا جمعی، بدون مستسک یا با توجیه و مستمسک ایدئولوژیک، مخفیانه یا آشکار به هر شکل و نوع ممنوع است و آمر و معاون و مباشر در جرم مجرم و ولی دم حق قصاص دارد.

۸۹- اصل اکرام بر ضیف  
هرکس که به کشوری وارد می‌شود نه تنها از حقوق فردی در آن کشور برخوردار و حقوق مکنتسب قبلی خود را نیز به همراه می‌آورد بلکه از حقوق ویژه میهمان نیز برخوردار می‌گردد. پناهندگی به حکومت حتی برای مشرکین هم لازم القبول است. تابعیت اکتسابی ناشی از پناهندگی یا ناشی از استدعا هر دو سبب اعطای حقوق شهروندی به فرد تابعیت‌پذیرنده است و این فرد علی‌الاصول نباید از حقوق اجتماعی دیگر افراد چیزی کمتر دریافت کند و در حقوق

خصوصی همانند دیگران است. بر اساس قاعدهٔ احترام بین‌المللی به حقوق مکتسب، حقوق مکتسب پناهنده یا تابعیت پذیرنده مورد احترام و قبول است.

۹۰- اصل ممنوعیت نفی بلد و نفی تابعیت

نفی بلد افراد چه در حیطة ملّی و چه در حیطة بین‌المللی و نفی تابعیت افراد مجاز نیست مگر در موارد خاصّ محاربه و افساد در زمین.

۹۱- اصل آزادی جابجایی افراد و حذف روادید

دولت‌ها بایست شرایط لازم برای آزادی ورود و خروج گردشگران خارجی و داخلی به کشور خود را فراهم و بطور متقابل ویزا را از میان بردارند.

۹۲- اصل جواز مهاجرت و اقامت دلخواه برای کلیه افراد روی زمین

کرهٔ ارض متعلّق به خالق انسانهاست و وطن ابناء بشر می‌باشد. هرکس محق است در هر کشوری سکنی گزیند یا به آن یا از آن مهاجرت نماید. مهاجرت به و مهاجرت از هر محل یا کشور از حقوق افراد است و جز در موارد نادر تضييع حقوق دیگر شهروندان این حقوق از افراد خارجی یا داخلی قابل سلب نیست.

۹۳- اصل الزام به کتمان اسرار

اصل بر کتمان اسرار است مگر موجب تضييع حقوق دیگران شود.

۹۴- اصل ممنوعیت تجسس در امور خصوصی افراد

حریم خصوصی افراد محترم است و تجسس به هرگونه‌ای خواه با وسائل و تجهیزات جاسوسی و خواه بدون وسیله با قدم یا نگاه یا استراق سمع با هر وسیله و از هر طریق ممنوع است. نظارت بر تحرکات دشمن و بیگانگان شامل این موضوع نیست و در مواردی چون تجسس از مظنون به همکاری با دشمن در زمان جنگ یا فردی که برای دشمن جاسوسی می‌نماید مجاز است.

۹۵- اصل وجوب تجسس در امور مأموران دولتی و بیگانگان و دشمن و کشف جرایم

انواع تجسس زیر مجاز است:

أ - تجسس در اعمال و فعالیت مأموران و شاغلین بخش دولتی جهت جلوگیری از تخلف آنها.

ب - تجسس مرزی در ورود کالای مضر به حال جامعه یا ورود دشمن.

ج - تجسس در فعالیت‌ها و نقل و انتقالات و تحرکات بیگانگان اعم از دشمنان یا غیره برای ایجاد شرایط امن و حفظ جان تابعین از تعرض دیگران.

د - تجسس برای کشف جرم و تنبیه مجرم و بازگرداندن حق به صاحب آن.

ه - تجسس در اعمال و فعالیت متجسسین (حفاظت اطلاعات).



- Bidabad, Bijan, (Book) Mystical (Sufi) foundations of Islamic international relations, public international law, foreign policy and diplomacy, a theosophy approach, 2007.  
<http://www.bidabad.com/doc/mabani-erfani-ravabet-beynolmelal-en.pdf>
- Bidabad, Bijan, (Book) Summary of International Relations Principles; An Islamic Sufi Approach (Public International Law, Foreign Policy, and Diplomacy)  
<http://www.bidabad.com/doc/inter-rel-kholaseh-en.pdf>
- Bidabad, Bijan, Foundations of International Relations: An Islamic Sufi Approach. International Journal of Law and Management, Vol. 53 No. 5, 2011, pp. 313-339, Emerald Group Publishing Limited. <http://dx.doi.org/10.1108/17542431111166322>
- Bidabad, Bijan, Public International Law Principles: An Islamic Sufi Approach, Part I. International Journal of Law and Management, Vol. 53 No. 6, 2011, pp. 393-412, Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/17542431111185178>
- Bidabad, Bijan, Public International Law Principles: An Islamic Sufi Approach, Part II. International Journal of Law and Management, Vol. 54 No. 1, 2012, pp. 5-25, Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/17542431211189588>
- Bidabad, Bijan, Foreign Policy Principles: An Islamic Sufi Approach, Part I. International Journal of Law and Management, Vol. 54 No. 2, 2012, pp. 97-124, Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/17542431211208531>
- Bidabad, Bijan, Foreign Policy Principles: An Islamic Sufi Approach, Part II. International Journal of Law and Management, Vol. 54 No. 3, 2012, pp. 173-196, Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/17542431211228584>
- Bidabad, Bijan, Diplomacy Principles: An Islamic Sufi Approach, Part I. International Journal of Law and Management, Vol. 54 No. 4, 2012, pp. 253 – 273. Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/17542431211245305>
- Bidabad, Bijan, Diplomacy Principles: An Islamic Sufi Approach, Part II. International Journal of Law and Management, Vol. 54 Iss: 6, 2012, pp.422 – 442. Emerald Group Publishing Limited.  
<http://dx.doi.org/10.1108/17542431211281936>
- Bidabad, Bijan, Mehdi Tabatabaei, Slavery in Islam, An Islamic Sufi Approach. 2012.  
<http://www.bidabad.com/doc/bardedari-erfan-en.pdf>
- Bidabad, Bijan, Public Law: An Islamic Sufi Approach. 2012.  
<http://www.bidabad.com/doc/hoqooqe-omoomi-en.pdf>
- Bidabad, Bijan, Individual Law: An Islamic Sufi Approach. 2012.  
<http://www.bidabad.com/doc/hoqooqe-fardi-en.pdf>
- Bidabad, Bijan, Public Administration: An Islamic Sufi Approach. 2012.  
<http://www.bidabad.com/doc/edareh-omooore-omoomi-en.pdf>
- Bidabad, Bijan, Social Changes: An Islamic Sufi Approach. 2012.  
<http://www.bidabad.com/doc/edareh-omooore-omoomi-en.pdf>
- Bidabad, Bijan, A Convention for International Trade (Based on Islamic Sufi Teachings). To be appeared in International Journal of Law and Management, Emerald Group Publishing Limited, 2014.  
<http://www.bidabad.com/doc/convention-trade-en.pdf>

- بیدآباد، بیژن، (کتاب) مبانی عرفانی اقتصاد اسلامی، پول، بانک، بیمه و مالیه از دیدگاه حکمت. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۳.  
<http://www.bidabad.com/doc/mabani-erfani-eqtetade-islami.pdf>
- بیدآباد، بیژن، (کتاب) مبانی عرفانی روابط بین الملل اسلامی، حقوق بین الملل عمومی، سیاست خارجی، دیپلماسی از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۴.  
<http://www.bidabad.com/doc/mabani-erfani-ravabet-beynolmelal.pdf>
- بیدآباد، بیژن، (کتاب) مبانی عرفانی علوم سیاسی در اسلام، سیاست، حکومت، ولایت از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۸.  
<http://www.bidabad.com/doc/mabani-erfani-oloome-siasi.pdf>
- (کتاب) مبانی عرفانی حقوق در اسلام، حقوق تطبیقی، نظام‌های حقوقی، حقوق جزا از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۸.  
<http://www.bidabad.com/doc/mabani-erfani-hoqooq.pdf>
- بیدآباد، بیژن، (کتاب) مبانی عرفانی حقوق اساسی در اسلام، فلسفه حقوق، حقوق فردی، حقوق عمومی از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۸.  
<http://www.bidabad.com/doc/mabani-erfani-hoquqe-asasi.pdf>
- بیدآباد، بیژن، (کتاب) مبانی عرفانی تجارت بین الملل در اسلام، بررسی موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی از دیدگاه حکمت، ۱۳۹۰.  
<http://www.bidabad.com/doc/mabani-erfani-trade.pdf>
- بیدآباد، بیژن، (کتاب) خلاصه اصول روابط بین الملل در اسلام از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی (حقوق بین الملل عمومی، سیاست خارجی و دیپلماسی)  
<http://www.bidabad.com/doc/inter-rel-kholaseh-fa.pdf>
- بیدآباد، بیژن، طرح اصولی برای تنظیم روابط بین الملل از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.com/doc/international-relations-fa.pdf>
- بیدآباد، بیژن، اصول حقوق بین الملل عمومی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.com/doc/inter-public-law-fa.pdf>
- بیدآباد، بیژن، اصول سیاست خارجی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.com/doc/foreign-policy-fa.pdf>
- بیدآباد، بیژن، اصول دیپلماسی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.com/doc/diplomacy-fa.pdf>
- بیدآباد، بیژن، حقوق عمومی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.com/doc/hoqooqe-omoomi.pdf>
- بیدآباد، بیژن، حقوق فردی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.com/doc/hoqooqe-fardi.pdf>
- بیدآباد، بیژن، فلسفه حقوق از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.com/doc/falsafeh-hoqooq.pdf>
- بیدآباد، بیژن، حقوق جزا از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.com/doc/hoqooqe-jaza.pdf>
- بیدآباد، بیژن، حدود در حقوق جزای اسلام از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.  
<http://www.bidabad.com/doc/hudood.pdf>
- بیدآباد، بیژن، قصاص، دیات و تعزیرات در حقوق جزای اسلام از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی،

- <http://www.bidabad.com/doc/qesas-diat-tazirat.pdf>  
بیدآباد، بیژن، سیاست و حکومت از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.
- <http://www.bidabad.com/doc/siasat-va-hokoomat.pdf>  
بیدآباد، بیژن، دین و حکومت از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.
- <http://www.bidabad.com/doc/din-va-hokoomat.pdf>  
بیدآباد، بیژن، ولایت و حکومت از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.
- <http://www.bidabad.com/doc/velayat-va-hokoomat.pdf>  
بیدآباد، بیژن، اداره امور عمومی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.
- <http://www.bidabad.com/doc/edareh-omoo-re-omoomi.pdf>  
بیدآباد، بیژن، تحولات اجتماعی از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.
- <http://www.bidabad.com/doc/tahavolate-ejtemaee.pdf>  
بیدآباد، بیژن، پدیده تاریخی قتل پیامبران، عرفا و اهل تصوف، ۱۳۸۹.
- <http://www.bidabad.com/doc/qatle-payambaran.pdf>  
بیدآباد، بیژن، عقل و حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۸۹.
- <http://www.bidabad.com/doc/aql-va-hekmat.pdf>  
بیدآباد، بیژن، شیوه حکومت اسلامی، ۱۳۸۹.
- <http://www.bidabad.com/doc/shiveh-hokoomat-eslami.pdf>  
بیدآباد، بیژن، پیشنهاد کنوانسیون تجارت بین الملل از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۹۰.
- <http://www.bidabad.com/doc/convention-trade.pdf>  
بیدآباد، بیژن، مهدی طباطبائی، برده‌داری در اسلام از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۹۰.
- <http://www.bidabad.com/doc/bardedari-erfan-fa.pdf>  
بیدآباد، بیژن، مالکیت از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۹۲. چاپ خلاصه مقاله تحت عنوان حقوق مالکیت فردی، در حقوق و اقتصاد، ماهنامه علوم انسانی، شماره ۱، آذر ۱۳۹۲، صفحات ۵۷-۵۴.
- <http://www.bidabad.com/doc/ownership-fa.pdf>  
بیدآباد، بیژن، پیشنهاد اصول کلی کنوانسیون بین‌المللی مالیه عمومی مبتنی بر دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی، ۱۳۹۲.
- <http://www.bidabad.com/doc/public-finance-convention-fa.pdf>